



## نقاش رمزنگار، معلم رمزگشا

احمد رضا دالوند

هانیبال الخاص روش فنی و شخصی خود را از مینیاتورهای ایرانی، کتیبه‌های آشوری، فضا سازی آثار مذهبی ال گرکو و اکسپرسیونیسم مارک شاگال به دست آورده است. اکثر نقاشی‌های او فضایی پرکار و حالتی غریب و غم‌انگیز دارند. آثار الخاص از سبکی روان، محکم و اغلب یکدست برخوردارند. در نقاشی‌های این هنرمند، اندام‌های به هم پیوسته آدمیان و سطرهایی از کلمات به فراخور موضوع به چشم می‌خورد. «آدم» و «کلمه» عناصر ثابت آثار هانیبال الخاص هستند. الخاص می‌داند که ارزش‌های مفهومی و بصری گذشته، هم‌اکنون در پیش چشم هنرمند ایرانی قرار ندارد، اما با شهامت و با تکرار و اصرار و با قدرت و زیبایی، گذشته را بر پرده‌هایش حاضر می‌کند و به امروز پیوند می‌زند. او دست به هر مضمون یا قصه‌ای که می‌زند روایت شخصی خود را از آن بازگو می‌کند. در بررسی «عنصر روایت» در نقاشی‌های ایرانی نیز شاهد چنین تمهیدی هستیم. در مینیاتورهای ایرانی، گروه‌های آدم‌ها در دسته‌های مجزا و در تقسیم‌بندی‌های مشخص، قصه‌ای را نمایش می‌دهند که ممکن است یکی از این دسته‌های مجزا مربوط به قصه اصلی باشد، لذا سایر قسمت‌ها روایت شخصی نقاش را از قصه نشان می‌دهد. در نقاشی قهوه‌خانه‌ای هم چنین شیوه‌ای از بیان تصویری به چشم می‌خورد؛ نوعی قصه‌نگاری گرم و مجذوب‌کننده که داستان‌های بزمی و رزمی و مذهبی را در فضایی خیره‌کننده و دلچسب عرضه می‌کند. هانیبال الخاص نیز به چنین شیوه‌ای از بیان تصویری وابسته است. او هویت ایرانی آثارش را با تبعیت از طرز قصه‌نگاری نقاشان بزرگ تاریخ هنر ایران استحکام می‌بخشد، نه صرفاً با الصاق بن‌مایه‌ها و نقوش برگرفته از تاریخ هنر و با تصویر کردن ابروی کمانی و چشم بادامی و لب غنچه و...

این چنین است که از پس سنت عامیانه و شکوهمند نقاشان قهوه‌خانه‌ای و در طی دهه‌های سی و چهل تا به امروز، تنها هنرمندی که شیوه و سیاق نقاشان قهوه‌خانه‌ای را در پردازش آثارش به کار گرفته هانیبال الخاص است. اهمیت کار او وقتی آشکارتر می‌شود که به خاطر بیابوریم در همین زمانه است که هنر اروپا و آمریکا به طرز بی‌سابقه‌ای بر هنر معاصر ما سیطره پیدا می‌کند و از آن مهم‌تر آنکه هانیبال الخاص دانش آموخته نقاشی از آمریکاست. هنرمند تحصیل کرده دانشگاه‌های آمریکا فریفته و حواری قلم حسین قوللر آغاسی می‌شود و محمد مدبر را استاد خود می‌داند.

هانیبال الخاص همواره مشرب قصه‌گویی ویژه نقاشان تاریخ هنر ایران را در آثارش مراعات کرده است. نگاهی که او به مینیاتور، نقاشی قهوه‌خانه‌ای و آثار ال گرکو و شاگال داشته بر هم‌نسلان او پوشیده مانده، به‌طوری‌که می‌توان گفت کمتر

نقاشی در شصت سال گذشته توانسته است چنین استنباطی از زیبایی‌شناسی هنر ایران را به آثارش وارد کند. برای مثال، نقاشان موسوم به «مکتب سقاخانه» شیفته رنگ‌ها، نمادها و بن‌مایه‌های مستتر در کتاب‌آرایی و نگارگری ایرانی شده بودند، لذا به عنصر روایت و قصه‌گویی، آن‌چنان که الخاص دریافت‌ه بوده، دست نیافتند. هانیبال الخاص توانست مسائل زمانه خود را در چنین ظرف زبانی به طنین و تیش وادارد. او آدم‌های هم‌عصر خود را با همه رنج‌ها، غم‌ها، قهرمانی‌ها، زیبایی‌ها و تلخی‌هایشان در کالبد هنری ریشه‌دار از اعماق تاریخ ایران و آشور و متأثر از زیبایی‌شناسی شاگال و ال‌گرکو به تصویر کشیده است. او توانسته پرده‌های خود را بر قطعه‌قطعه‌شدن «موضوع اصلی» به چند موضوع فرعی (بخوانید «مجلس اصلی» به چند مجلس کوچک، آن‌گونه که در آثار نقاشان قهوه‌خانه‌ای یافت می‌شود) استوار سازد. الخاص قصه‌اش را در قسمت‌های مجزا و در کنار هم نقل می‌کند: گروه‌هایی از آدم‌های ایستاده با قامت کشیده، دست‌های بلند، چهره‌های غم‌زده و متفکر و رفتار باوقار که در بعضی صحنه‌ها حالت قدسی پیدا می‌کنند و در صحنه‌هایی نیز به شهیدان شباهت می‌یابند.

هانیبال الخاص علی‌رغم حفظ نوعی یکدستی و شخصیت انحصاری مستتر در آثارش، به «عامل تنوع» نیز بی‌توجه نیست. تجربه‌هایی هزل‌گونه و رگه‌های طنزی نیشدار که البته گاه تا شوخی‌های روزمره و عامیانه نیز کشانده می‌شود، در میان آثار او به تناوب، در طی سالیان دراز فعالیتش دیده می‌شود. به عبارتی، او هم به واقعیات اجتماعی و سیاسی، هم به تجارب تاریخی و هم به نبض زندگی با همه شادی‌ها و رنج‌هایش می‌پردازد، به طوری که می‌توان گفت زندگی با همه نوساناتش در مجموعه آثار این نقاش کارکننده و معلم قدیمی بازتابی خلاق و ماندگار پیدا کرده است. در بررسی دقیق‌تر آثار او، مشاهده می‌شود که گه‌گاه و عملاً مهارتش را کنار می‌گذارد و اجازه می‌دهد که «طرح» به طور ناتمام، پراشتباه یا ناکافی و ناقص بر صفحه پدیدار شود. این دسته از آثار الخاص عین زندگی‌اند؛ یعنی همان‌قدر ناقص یا گذرنده‌اند که زندگی ممکن است این‌گونه باشد و همان‌قدر پراشتباه یا ناکافی‌اند که در زندگی می‌توان بود. توضیح این رفتار می‌تواند نکات جالبی را در پی داشته باشد.

شاید استاد در کنار پرده‌های رنگ‌وروغنی و با ابعاد بزرگش، یعنی در آثاری که ارکسترآسیون رنگ و شکل، فضا و معنا، احساس و ترکیب‌بندی، با مهارت و قریحه و نوعی کنترل خلاقانه همراه است، گاه هوس می‌کند طرح‌هایی را قلمی کند که فارغ از عامل کنترل بر صفحه منعکس شوند. در مجموع می‌توان این‌طور استنباط کرد که هانیبال الخاص هم از نوسانات روحی و کاملاً فردی و خصوصی خودش پرده برمی‌دارد و هم به آن سوی پنجره و به شعر، درخت، زندگی، تاریخ، جامعه و انسان به طور وسیعی نظر دارد. حکایات مصور او از تاریخ و واکنش‌های عمیقاً بشردوستانه او نسبت به بمب اتمی و فجایع جنگی حاصل از جنگ‌افزارهای ضد انسانی و صلح همان‌طور دیدنی‌اند که طنز و مطایبه‌اش در قبالت نکات شیرین و لحظات زودگذر زندگی.

در واقع، زیبایی‌شناسی شرقی پرده‌های الخاص بر همه دانش و تجربه‌ای که او از هنر معاصر جهانی اندوخته سایه می‌افکند. خط و رنگ و حجم و سایه‌روشن در آثار الخاص کاملاً متفاوت است با آنچه که مثلاً کویبست‌ها یا اکسپرسیونیست‌ها از این عناصر تجسمی درک می‌کرده‌اند. نقاشی‌های الخاص بیشتر به کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌های سنگی شباهت دارند. حتی آداب طرح‌های دیده‌شده بر نقش‌برجسته‌های تاریخ آشور و ایران نیز به نوعی در نقاشی‌های الخاص رعایت شده، مثل هدیه‌بردن‌ها و دست‌های به دعا برخاسته و...

برای هانیبال الخاص آنچه مهم است نمایش اندام‌های انسانی است؛ اندام انسان با عواطف و عشق‌هایش. اصلاً مضمون اصلی آثار این هنرمند «عشق و عاطفه انسانی» است. شور و نشاطی که در پرده‌های او موج می‌زند به مدد تقسیم‌بندی پرتحرک عناصر بصری موجود در تابلوهایش و نیز چاشنی پرحلاوت رنگ‌هایش، جایگاه مطمئنی در هنر معاصر ایران پیدا کرده است. او چنین توفیقی را نه با فریب‌های بصری، بلکه با دانش و تجربه‌ای که در این کار اندوخته به دست آورده است.

اما در آن سوی چند و چون مباحث نظری نقاشی، مخاطبان این هنر قرار دارند که الخاص همواره به آنان بهای بسیاری می‌دهد. او با پردازش ماهرانه آثارش و با تسلط بی‌چون‌وچرای نقاشانه‌اش، همواره تماشاگر را به حیرت وامی‌دارد. هرچند که ممکن است نیت او به حیرت‌و‌داشتن بیننده نباشد، اما وقتی که رنگ‌ها چنین شاد و پرطنین در کنار هم می‌نشینند و درخت و اسب و آدمی چنین سبک‌بال در رقصی موزون بر صحنه قرار می‌گیرند، نگاه سرمست از باده حیرت می‌شود؛ حیرتی که از مکاشفه طرح و رنگ با پیامی که در پس آن است، حاصل می‌شود.

هانیبال الخاص بی‌آنکه ذهن و نگاه بیننده را در ادراکات فنی ساختمان اثر درگیر کند، او را به دنیایی سرشار از تحرک و زیبایی فرا می‌خواند. او چنین هدفی را مقدم بر جست‌وجوهای پلاستیک و آزمون‌های نقاشانه می‌داند. باری، با الخاص و شعر دلکش نقاشی‌هایش می‌توان هم‌آوازی کرد و به دنیای مجذوب‌کننده رنگ‌هایش دل سپرد... و زندگی بی‌رنگ و بی‌شعر و بی‌عشق، مفاکی ترسناک است.

## از هانیبال درباره‌ی الخاص

هانیبال الخاص

متولد ۱۳۰۹، کرمانشاه

فوق لیسانس هنرهای تجسمی از انستیتوی هنر شیکاگو، ایلی‌نویز، آمریکا، ۱۹۵۸  
تأسیس گالری گیلگمش (اولین گالری هنر مدرن در تهران)، ۱۳۳۷  
معلم هنرستان هنرهای تجسمی پسران تهران، ۱۳۳۷-۱۳۴۱  
پروفسور دیارتمان هنرهای تجسمی کالج مونتسلو، آلتون، ایلی‌نویز  
استاد دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۴۱-۱۳۵۹  
تدریس خصوصی هنر و مکتب‌شناسی هنر در تهران و دانشگاه برکلی و دانشگاه یوسی.ال.ای، کالیفرنیا، ۱۳۵۹-۱۳۶۲

استاد هنرهای تجسمی در دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ۱۳۷۰-۱۳۸۴  
برگزاری ده‌ها نمایشگاه انفرادی و گروهی در ایران و کشورهای مختلف جهان  
ترجمه ۱۲۰ غزل از حافظ به صورت نوار، ترجمه‌های متنوع از شعر فارسی با همکاری برایان برگلاند، تصویرسازی و طراحی جلد ده‌ها کتاب و ...

از هانیبال الخاص به عنوان معلم با ۵۰ سال سابقه تدریس و هانیبال الخاص به عنوان نقاش با ۶۰ سال سابقه حضور، باید نکته‌های آموختنی و حرف‌های شنیدنی بسیاری انتظار داشت. اما هانیبال کیست؟  
۱۲ یا ۱۴ سال داشت که در اراک آموزش نقاشی را شروع کرد. اولین معلم او (گورگیز) ۱۶ سال داشت و برای «توفیق» و بسیاری از مجلات فکاهی آن سال‌ها کاریکاتور می‌کشید. پدر هانیبال کارمند گمرک بود، در نتیجه هر چند وقت یک‌بار از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شد. آنها به تهران منتقل شدند. هانیبال با اینکه دستش لرزش داشت، از پدر خواست نام او را در یک کلاس نقاشی بنویسد. معلم بعدی هانیبال، جعفر پتگر بود.  
کلاس پتگر، پیش از آنکه به خیابان هدایت منتقل شود، در سهراب جمهوری (سهراب شاه سابق) بود. دو سال و نیم در کلاس پتگر آموزش دید تا اینکه راهی آمریکا شد. جعفر پتگر پرتزهای از شهریار با سه‌تارش کشیده بود که جلوی چشم بود و همین پرتز باعث شد که هانیبال اصرار کند تا پرتز بکشد. شیوه آموزش پتگر کپی‌برداری از نقاشی‌های کلاسیک بود. یکی از هم‌کلاسی‌های الخاص در این کلاس، بیژن صفاری بود که عقیده داشت نقاش نباید کپی‌برداری کند. این دو (الخاص و صفاری) از طریق کتاب و کارت‌پستال با امپرسیونیست‌ها آشنا شده بودند و پیکاسو را آدم متقلبی می‌دانستند.

هانیبال قبل از مسافرت به آمریکا، با یک پرتزه در نمایشگاهی گروهی در خانه «ووکس» یا انجمن ایران و شوروی سابق شرکت کرد. این پرتزه‌ای بود از خواهرش با رنگ‌وروغن. هانیبال الخاص به آمریکا رفت که طب بخواند، اما فلسفه خواند و بعدتر نقاشی. نقاشی را در «آرت انستیتو» که استادان خوب اروپایی و روس داشت، خواند. در آن زمان در آمریکا نقاشی انتزاعی اوج گرفته بود. جکسون پالک، دکونینگ، فرانتس کلاین و ... هانیبال الخاص پس از ۸ سال درس و ۶ سال کار (کار در کارخانه وسترن الکتریک) در رشته ایلوسترسیون، لیسانس و فوق لیسانس گرفت.

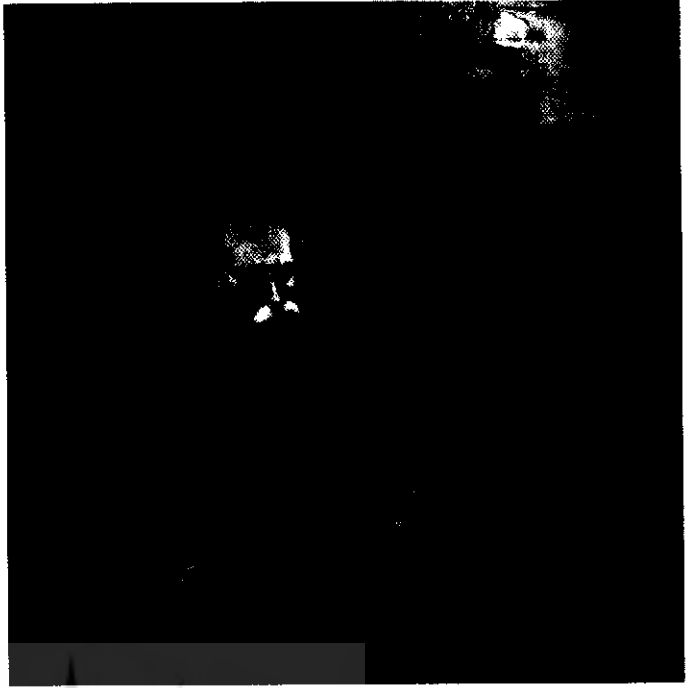
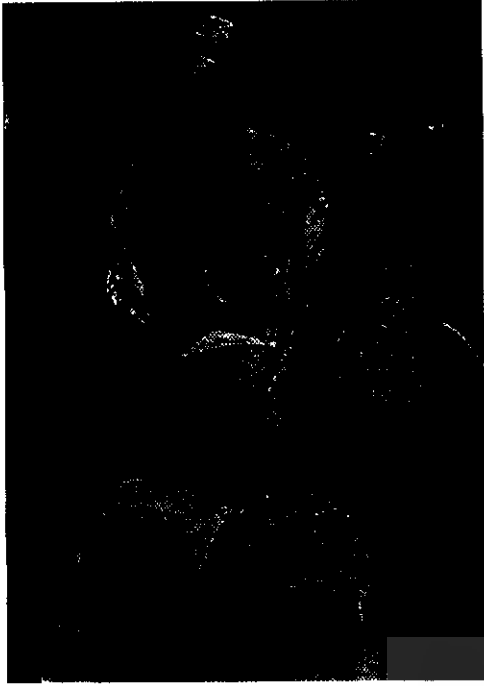
وقتی به ایران برگشت، مدتی در اداره بهداشت مددکار اجتماعی بود و بعد هم معلم هنرستان شد. پس از آن گالری «گیلگمش» را راه انداخت و بیشتر کار کسانی را به نمایش گذاشت که نمایشگاه اولشان بود، مثل فرامرز بیلامرام، حسین زنده‌رودی، منصور قندریز، بهمن دادخواه، بهمن بروجنی، منوچهر صفرزاده و ...

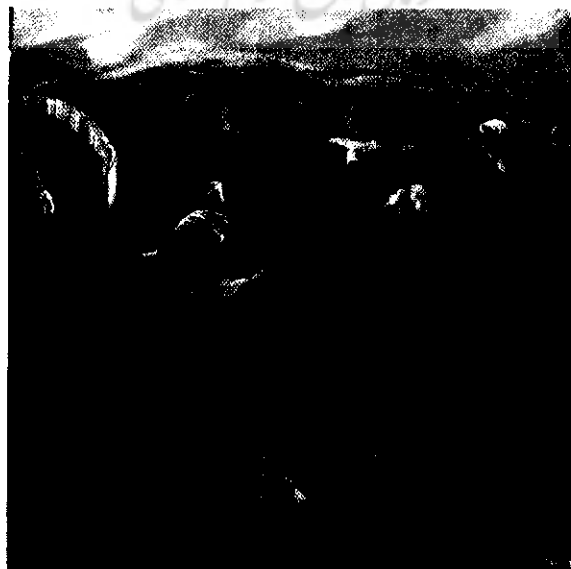
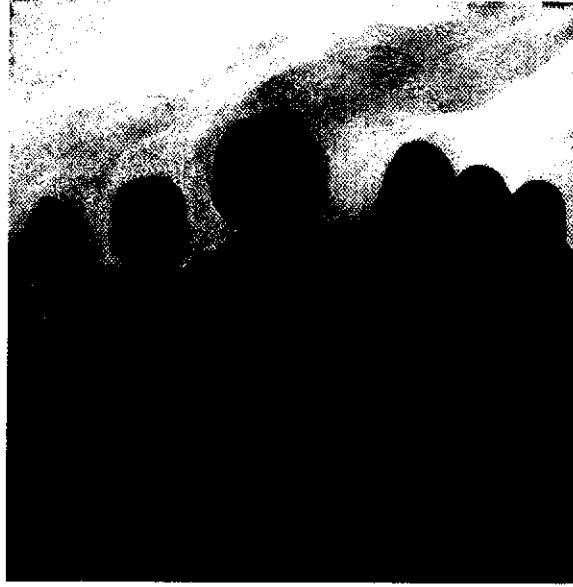
هانیبال الخاص در مجموع از سال ۱۳۴۰ تاکنون به تناوب در هنرستان پسران، دانشگاه تهران، دانشگاه‌های آمریکا، دانشگاه آزاد اسلامی و کلاس‌های خصوصی‌اش به تدریس هنر پرداخته است.

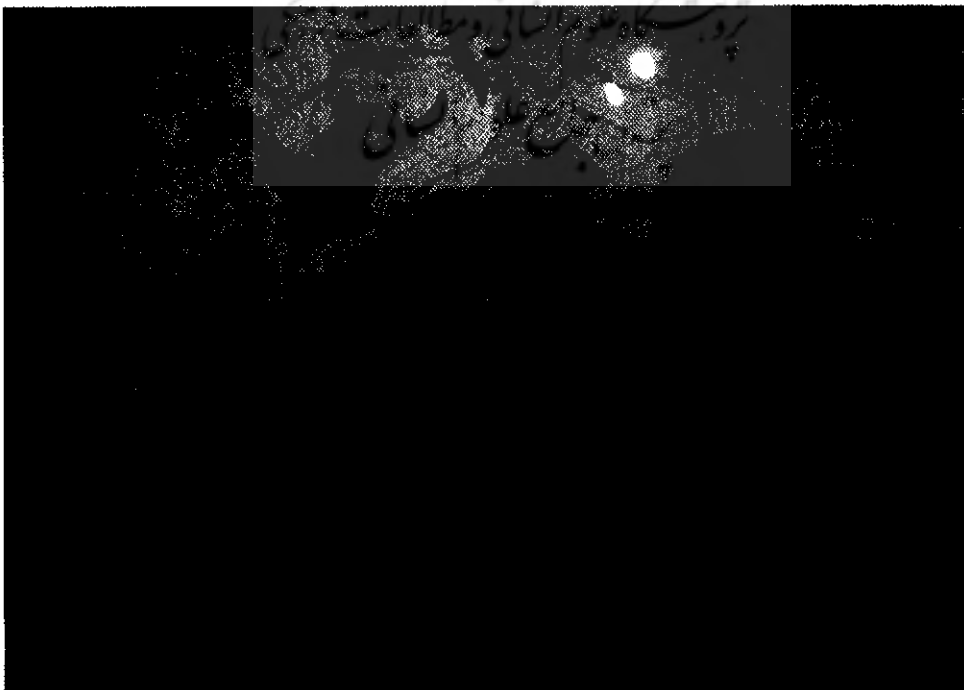
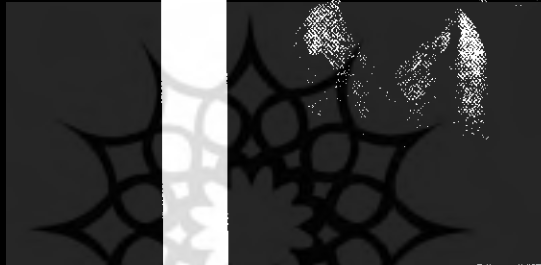
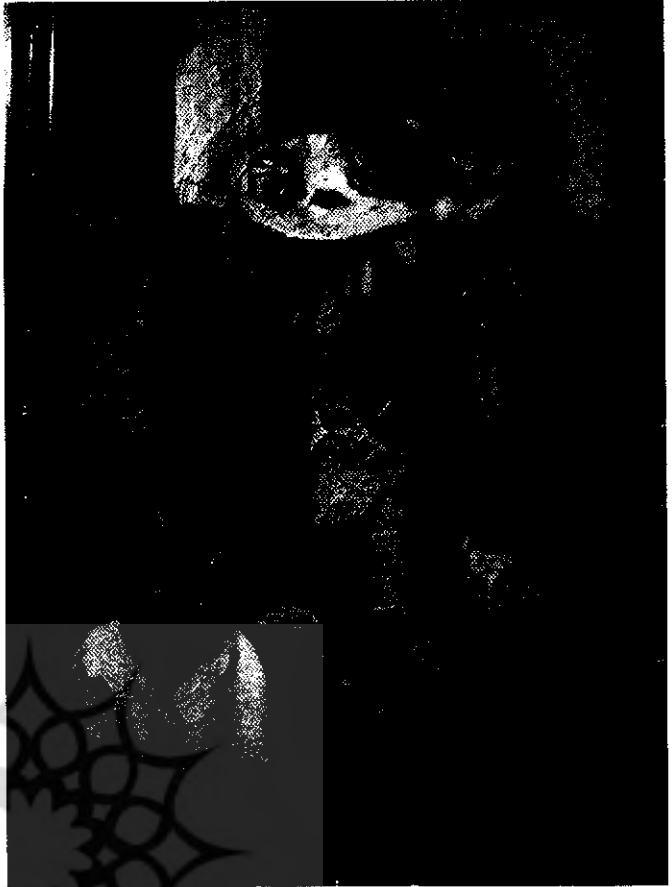
او تنها هنرمند نقاش شناخته نمی‌شود، چرا که تاکنون هزاران دوبیتی، قصیده، هایکو، منظومه و غزل به زبان آشوری سروده و چهار کتاب آموزش هنر تألیف کرده، ده‌ها قصه کوتاه به فارسی و آشوری نوشته و تعداد بسیاری طرح روی جلد کتاب ترسیم کرده است.

الخاص آمیزه‌ای است از شاعر، معلم، نقاش و قصه گو. در میان نمایشگاه‌های متعددی که تاکنون برپا کرده است، تعدادی نمایشگاه ابتکاری، غیرمنتظره و به‌یادماندنی نیز وجود دارد. برای مثال، او در دهه پنجاه نمایشگاهی در نگارخانه شیخ برگزار کرد که فاقد افتتاحیه بود. یعنی روز اول، بازدید کنندگان با تعدادی بوم سفید روبه‌رو می‌شدند









100

که هانیبال در مقابل نگاه مردم آنها را نقاشی می‌کرد، به طوری که پس از گذشت ده روز به تدریج بوم‌های خالی به دست او نقاشی می‌شدند. این نمایشگاه غیرمنتظره به جای افتتاحیه، اختتامیه داشت، یعنی تماشاچیان تازه در روز آخر می‌توانستند یک نمایشگاه کامل نقاشی را ببینند.

اغلب، هانیبال الخاص را به عنوان نقاش فیگوراتیو می‌شناسند؛ نقاشی که تصویر انسان، چهره آدمی و اندام او دلمشغولی همیشگی اوست؛ اما هانیبال کارهای متفاوتی نیز کرده است. برای مثال به مناسبت درگذشت نیما یوشیج که اتفاقاً مصادف با درگذشت پدر هانیبال نیز بود، یک نمایش موسوم به **Art Happening** برگزار کرد، که در ایران بسیار تازگی داشت. او برای این کار، یک تابلوی نقاشی بزرگ از نیما و حال و هوای شعر نیما کشید. در مقابل این تابلو ۴۰ صندلی گذاشت و با ضبط صوت، سخنرانی افرادی را که درباره نیما حرف زده بودند همراه با موسیقی مناسب پخش کرد. در این سالن قهوه نیز عرضه می‌شد. استقبال زیادی از این پروژه شد و نحوه حضور افراد نیز به این صورت بود که ۴۰ نفر به سالن می‌آمدند، بر روی صندلی‌ها می‌نشستند، تابلوی بزرگ را تماشا می‌کردند، نوار سخنرانی‌ها را گوش می‌دادند و قهوه می‌خوردند، بعد خارج و ۴۰ نفر بعدی وارد می‌شدند و ...

الخاص، تأثیرگذارترین معلم زندگی‌اش را «بوریس آنیسفلد» می‌داند. در اهمیت آنیسفلد به عنوان آموزگار، یادآوری می‌کند که نقاش معروف، «بیکن» نیز از شاگردان او بوده است. علت تداوم تأثیر بوریس آنیسفلد بر هانیبال، توجه دادن آن استاد بزرگ به هنر ایرانی بوده است؛ یعنی در اوج رواج هنر انتزاعی، آنیسفلد، هانیبال را متوجه اهمیت هنر ایرانی می‌کند. او به الخاص یادآوری می‌کند که نقاشی قهوه‌خانه‌ای، آثار کمال‌الدین بهزاد و تاریخ هنر ایران را بررسی کند. آنیسفلد به جوان جویای هنر که راهی آمریکا شده، اهمیت نگارگری ایرانی را یادآور می‌شود. از همان سال‌ها، هانیبال نگاهی آمیخته به احترام و قدرشناسی نسبت به هنرمندان سنتی معاصر ایران داشته است. در این میان، او ارادت ویژه‌ای به ابوطالب مقیمی، علی مطیع، حسین بهزاد، سوسن آبادی، حسین الطافی و فریده مقدم دارد.

هانیبال الخاص عقیده دارد که اروپایی‌ها با یک «شوونیسیم» خاص به هنر نگاه می‌کنند و جای «دگا» و «رنوار» را به هیچ کس نمی‌دهند. آنها حاضر نیستند اثر یک امپرسیونیست مکزیکی، روس یا اصولاً غیراروپایی را بر روی دیوارهای موزه‌هایشان تحمل کنند. ارزش گذاری هنر مورد نظرشان نیست، بلکه نوعی «شوونیسیم» اعمال می‌کنند که با حمایت سیستماتیک پدیده نشر و امواج رسانه‌ای پشتیبانی می‌شود. آنها با این سیاست در واقع سلیقه‌سازی و فرهنگ‌سازی می‌کنند. شک نیست که این اقدامات را با این فرض انجام می‌دهند که فرهنگ غالب را به خودشان نسبت دهند و فرهنگ مغلوب و مفعول را به دیگران القا کنند. هانیبال الخاص عقیده دارد که در این میان ما باید سالن‌های خودمان را داشته باشیم؛ سالن‌هایی مملو از آثاری که در فرهنگ، چشم‌انداز و تفکر خاص خودمان خلق شده باشند؛ موزه‌هایی که گردشگران فرهنگی برای دیدنشان سر و دست بشکنند. واقعیت این است که هنوز چنین موزه‌هایی نداریم؛ موزه‌هایی که در مقابل غربی‌ها احساس حقارت نکنند؛ نقاش‌هایی که معیار ارزش‌گذاری‌شان به طور آشکار و پنهان مساوی با معیارهای اروپایی نباشد. آنها یک «ماتیس» دارند که با درک هنر سنتی ایرانی ماتیس شده است. آیا جای تأسف نیست که امروز کسانی از ماتیس تقلید کنند؟!

الخاص می‌گوید: «مطمئن باشید که یک غربی انتظار ندارد در تهران با چیزی شبیه موزه هنر مدرن نیویورک روبه‌رو شود. او به دنبال چیز دیگری است؛ چیز دیگری که امروز در دست‌های ماست، اما متوجه حضورش نیستیم.»

زیبایی‌شناسی شرقی پرده‌های الخاص بر همه دانش و تجربه‌ای که او از هنر معاصر دنیا اندوخته سایه می‌افکند. نقاشی‌های الخاص بیشتر به کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌های سنگی شباهت دارند. حتی آداب طرح‌های دیده‌شده بر نقش‌برجسته‌های تاریخ ایران و آشور نیز به نوعی در نقاشی‌های هانیبال الخاص رعایت شده؛ مثل هدیه بردن‌ها و دست‌های به دعا برخاسته.

آنچه برای او مهم است نمایش اندام‌های انسانی است؛ اندام انسان با همه عواطف، شادی‌ها و رنج‌هایش. اصلاً موضوع در پرده‌های الخاص عشق و عاطفه انسانی است که با مهارت ویژه نقاش تجسم پیدا می‌کند؛ حاصلی که تماشاگر را به حیرت وا می‌دارد. او با نقاشی‌ها و آموزه‌هایش ما را به زندگی، به رنگ و به شعر دعوت می‌کند؛ نقاشی که با صف آدمیانش در میان و آغوش درختانش در کنار، آدم را هر چه زیباتر و دنیا را هر چه مهربان‌تر می‌خواهد.

بدیهی است وقتی که رنگ‌ها چنین شاد و پرطنین در کنار هم می‌نشینند و درخت و اسب و آدمی چنین سبک‌بال در رقصی موزون بر صحنه قرار می‌گیرند، نگاه سرمست از باده حیرت می‌شود؛ حیرتی که از مکاشفه طرح و رنگ با پیامی که در پس آن نهان است حاصل می‌شود.